





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین‌الملل

عنوان:

استراتژی ایالات متحده آمریکا در افغانستان بعد از سقوط طالبان

استاد راهنما:

دکتر نوازنی

استاد مشاور:

دکتر قاسمی

نگارنده:

عبدالغنی باقری

بهمن ۱۳۹۰

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)  
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی



تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب ... دانشجوی رشته ... مقطع تحصیلی ... را تأیید  
بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با  
عنوان ... را تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به  
هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا  
بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد  
و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا  
تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و  
ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا  
خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

۱۳۹۱/۳/۳



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)  
 معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی  
 فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان‌نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکتری .....  
 دانشجوی رشته .....  
 در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان‌نامه با نمره ..... و درجه .....  
 داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبیه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	بهرام نوازین	استاد	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	
۲	استاد مشاور	دکتر حاتم کاسر	استاد	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	
۳	داور خارج	دکتر حسین سیدزاد	استاد تمام	دانشگاه تبریز	
۴	داور داخل	دکتر سعید نیریز	دانشیار	بین‌المللی امام خمینی	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	سعید طاهر	رئیس	بین‌المللی امام خمینی	

**تقدیم**

**به پدر و مادرم**

**که با تمامی آنچه که داشتند**

**موجبات تحصیل مرا فراهم آورده و من هر آنچه که دارم**

**مرهون زحمات و دعای خیر این بزرگواران است و اقرار می‌کنم که در جوابشان عاجزم.**

## چکیده

ایالات متحده آمریکا به دنبال رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با بهره‌گیری از یک استراتژی دوجانبه به افغانستان حمله برد. ایالات متحده در بعد سلبی استراتژی خود با استفاده از قدرت سخت و مبتنی بر الگوی رئالیسم تهاجمی رژیم طالبان را در افغانستان از بین برد و در بعد ایجابی نیز با استفاده از ابزارهای متنوع سخت و نرم استراتژی خود را در قالب دولت - ملت‌سازی، جامعه‌سازی و مبارزه با تروریسم در افغانستان دنبال نمود.

رساله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی استراتژی جدید و عملکرد ایالات متحده آمریکا در افغانستان پرداخته است. بنا به یافته‌های این پژوهش از آنجا که منشأ تروریسم در فقدان دولت کا آمد و پاسخگو، فقر اقتصادی، نبود آموزش، فقدان حکومت مقتدر، جهل، بی‌عدالتی، و نارضایتی از وضع موجود می‌باشد. پس از اجرای تئوری جنگ پیشگیرانه آمریکا در افغانستان، دولت - ملت‌سازی در افغانستان در چارچوب مفاهیم مندرج در استراتژی جدید ایالات متحده تحت عنوان «طرح خاورمیانه بزرگ» بعد از پیروزی نیروهای ایالات متحده و دولت اسلامی افغانستان بر طالبان و القاعده، در عرصه‌ی بازسازی امنیتی و بازسازی سیاسی قرار گرفت.

**کلید واژه:** استراتژی ایالات متحده آمریکا، تروریسم، طالبان، دولت - ملت‌سازی

بسی شایسته است از اساتید فرهیفته و فرزانه آقایان **دکتر نوازی، دکتر قاسمی، دکتر درویشی و دکتر بزرگمهری** که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا  
بر منتهای همت خود کامران شدم



## فهرست مطالب

مقدمه:	۱
طرح تحقیق	۱
تعریف مسأله	۲
سؤال اصلی تحقیق	۳
فرضیه اصلی تحقیق	۴
سوابق پژوهشی موضوع	۴
بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق	۵
ساختار پژوهش	۶
فصل اول:	۷
نومحافظه کاران و حادثه ۱۱ سپتامبر	۷
مقدمه	۸
۱- رویکرد نومحافظه کاران	۹
۱-۱- مبانی فکری سیاستگذاری خارجی در ایالات متحده	۹
۲-۱- نومحافظه کاران و سیاست خارجی نوین ایالات متحده	۱۱
۱-۲-۱- ظهور نومحافظه کاری در بستر تاریخی ایالات متحده	۱۲
۲-۲-۱- مبانی اندیشه و اصول فکری نومحافظه کاران	۱۴
۲- ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن	۱۸
نتیجه گیری	۲۵
فصل دوم:	۲۶
طرح خاورمیانه بزرگ و جنبش طالبان	۲۶
مقدمه	۲۷
۱- طرح خاورمیانه بزرگ در افغانستان	۲۸
۱-۱- بررسی تاریخی طرح خاورمیانه بزرگ	۲۸
۲-۱- مبانی و محتوای طرح خاورمیانه بزرگ	۳۱
۲- پیدایش طالبان	۳۷

۴۴	۲-۲- جنبش طالبان؛ بسترها و ریشه‌های پیدایش
۴۶	۳-۲- پاکستان؛ بستر پیدایش طالبان
۴۶	۴-۲- ریشه‌های تکوینی جنبش طالبان
۴۸	نتیجه‌گیری
۵۰	فصل سوم:
۵۰	راهبرد جدید ایالات متحده آمریکا در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر
۵۱	مقدمه
۵۲	۱- نومحافظه‌کاری پس از ۱۱ سپتامبر
۵۵	۱-۱- گسترش تجارت تسلیحات
۵۶	۲-۱- تأکید بر هژمونی و یکجانبه‌گرایی
۵۶	۳-۱- مبارزه با تروریسم، مبنای سیاست خارجی
۵۷	۲- ارائه استراتژی جدید آمریکا در افغانستان
۵۹	۳- اهداف استراتژی ایالات متحده آمریکا
۶۱	۳-۱- مبارزه با تروریسم بین‌المللی
۶۳	۳-۲- عملیاتی ساختن طرح خاورمیانه بزرگ
۶۴	۳-۳- گسترش ناتو به شرق
۶۵	۳-۴- مبارزه با نفوذ و گسترش تفکر طالبانی به دیگر کشورهای اسلامی
۶۷	نتیجه‌گیری
۶۹	فصل چهارم:
۶۹	سازوکارهای راهبرد ایالات متحده
۷۰	مقدمه
۷۱	۱- دولت - ملت‌سازی در افغانستان
۷۱	۱-۱- کنفرانس‌های بازسازی افغانستان
۷۲	۱-۲- دولت‌سازی در افغانستان
۷۴	۱-۲-۱- دولت موقت
۷۶	۱-۲-۲- دولت انتقالی
۷۸	۱-۲-۳- دولت جمهوری یا دولت دموکراتیک
۸۲	۱-۳- جامعه‌سازی در افغانستان

۸۳	۱-۳-۱- ضرورت جامعه‌سازی
۸۴	۱-۳-۲- پیش فرض‌های جامعه‌سازی در افغانستان
۸۸	۱-۳-۳- مظاهر جامعه‌سازی در افغانستان
۹۱	۲- ارزیابی استراتژی جدید آمریکا
۹۱	۲-۱- ارزیابی استراتژی جدید آمریکا در مقایسه با استراتژی دولت قبلی
۹۵	۲-۲- ارزیابی استراتژی جدید آمریکا از منظر ساختار قومی و مذهبی افغانستان
۹۷	نتیجه‌گیری
۹۹	نتیجه‌گیری نهایی
۱۰۵	منابع
۱۰۵	کتاب:
۱۰۸	مقالات:
۱۱۳	لاتین:
۱۱۳	اینترنتی:
۱۱۵	ضمیمه
۱۱۵	ده ماده اول قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان

مقدمه:

طرح تحقیق

## تعریف مسأله

ایالات متحده آمریکا به دنبال رخداد ۱۱ سپتامبر با بهره‌گیری از یک استراتژی دو بعدی به افغانستان حمله برد. ایالات متحده در بعد سلبی استراتژی خود با استفاده از قدرت سخت مبتنی بر الگوهای رئالیسم تهاجمی رژیم طالبان را در افغانستان از بین برد و در بعد ایجابی نیز با استفاده از ابزارهای متنوع سخت و نرم استراتژی خود را در قالب دولت‌سازی، جامعه‌سازی و هنجارسازی در افغانستان دنبال نموده و می‌نماید. ایالات متحده آمریکا در افغانستان در بحث دولت‌سازی تاکنون سه مدل موقت، انتقالی و جمهوری را به اجرا گذاشته و هم‌چنین در بعد جامعه‌سازی نیز با ایجاد اصلاح در نهادهای اولیه و مستقر جامعه افغانستان دست به تأسیس نهادهای مدنی و ملی نیز زده است.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی اتفاقی غیر منتظره و ناخواسته به یاری تئوری پردازان سیاست خارجی ایالات متحده آمد. این حمله که بعد از پایان جنگ جهانی دوم، بزرگترین حمله علیه آمریکا و آن هم در خاک این کشور محسوب می‌شود، با تهدید بزرگ خود فرصت نمایش مجدد قدرت آمریکا را در سطح بین‌الملل فراهم کرد. استراتژی جدید ایالات متحده به سرعت با محوریت مبارزه با تروریسم دوباره آمریکا را در نقش سکان دار تحولات جهانی در مرکز توجه جهانیان قرار داد. بن لادن و القاعده تحت حمایت طالبان با مدیریت و اجرای حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر موجب شدند آمریکا با حمله به پایگاه‌های آنها در افغانستان به تثبیت هر چه بیشتر نفوذ خود در منطقه نایل آید. واقعیت این

است که بحران معنا در استراتژی ایالات متحده با وقوع حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر به پایان رسید و پدیده «تروریسم» توانست این خلأ را پر نماید. (سبحانی، ۱۳۸۸: ۳۴)

ایالات متحده با توجه به مبانی طرح خاورمیانه بزرگ مبنی بر ایجاد تحولات گسترده در سطح دولت‌های منطقه به عنوان راهی برای مقابله با تحرکات تروریستی، مراحل دولت - ملت‌سازی در افغانستان را در صدر اهداف خود قرار داد. گسترش دموکراسی، حمایت از حقوق بشر و حقوق زنان، گسترش تحصیلات عالی و خدمات اجتماعی و رشد جامعه مدنی در کنار حرکت اقتصادی این کشور به سمت بازار آزاد طرحی بود که توسط ایالات متحده قبل از طرح ایده خاورمیانه بزرگ در فردای ۱۱ سپتامبر در افغانستان در حال اجرای آن بود، (امینی، ۱۳۸۲: ۴۱) و این همان تلفیق بعد سخت و نرم قدرت در چارچوب ایده‌ای است که بعداً کالین پاول وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا آن را به نام طرح خاورمیانه بزرگ در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ ارائه کرد.

تئوری جنگ پیشگیرانه در افغانستان اجرا شد و از آنجا که منشاء تروریسم در فقدان دولت کارآمد و پاسخگو، فقر اقتصادی، نبود آموزش، فقدان حکومت مقتدر، جهل، بی‌عدالتی و نارضایتی از وضع موجود تشخیص داده شد، دولت - ملت‌سازی در افغانستان در چارچوب مفاهیم مندرج در استراتژی جدید ایالات متحده تحت عنوان «طرح خاورمیانه بزرگ» بعد از پیروزی نیروهای ایالات متحده و دولت اسلامی افغانستان بر طالبان و القاعده، در سه عرصه‌ی بازسازی امنیتی، بازسازی سیاسی و بازسازی اقتصادی قرار گرفت. این مباحث در کنار عوامل و نیز منشاء پیدایش و گسترش تروریسم در افغانستان و حضور قوای ائتلاف و ناتو در جهت تحکیم امنیت و ثبات در این کشور به منظور پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش تدوین یافته است.

## سؤال اصلی تحقیق

استراتژی ایالات متحده آمریکا در افغانستان پس از حمله به این کشور در سال ۲۰۰۱ چیست و بر مبنای آن آمریکا چه اهدافی را در افغانستان تعقیب می‌کند؟

در این نوشتار برای دستیابی به اهداف پژوهشی فوق و در جهت پاسخ به سؤال اصلی، سؤالات فرعی زیر نیز طراحی شده‌اند.

۱- زمینه‌های پیدایش طالبان چه بوده و چه عواملی بر آمدن آمریکا در افغانستان تأثیرگذار بوده

است؟

۲- ۱۱ سپتامبر چه تأثیری در استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا داشته است؟

۳- «طرح خاورمیانه بزرگ» و مبانی تطبیقی آن در افغانستان چیست؟

۴- عوامل مؤثر در جهت دولت - ملت‌سازی در افغانستان چیست و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در این زمینه چه نتیجه‌ای داشته است؟

## فرضیه اصلی تحقیق

با در نظر گرفتن اهداف و سیاست‌های کلان آمریکا در منطقه خاورمیانه، به نظر می‌رسد؛ استراتژی ایالات متحده آمریکا برای حضور در افغانستان و تحکیم قدرت حکومت مرکزی و تقویت فرآیند دولت - ملت‌سازی در این کشور، با هدف تعمیق و گسترش نفوذ خود در منطقه و عملی شدن طرح «خاورمیانه بزرگ» است.

## سوابق پژوهشی موضوع

وقوع حملات ۱۱ سپتامبر فصل جدیدی در مطالعات امنیتی و همچنین استراتژی آمریکا مطرح شد و چنان‌که انتظار می‌رفت با استقبال گسترده‌ای از سوی نویسندگان و صاحب‌نظران این عرصه رو به رو گردید. بطوری که در این زمینه منابع و مطالب موجود را تابحال می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. گروهی از نویسندگان بیشتر سعی کرده‌اند به آمار و ارقام موجودی که از سوی رسانه‌های غربی یا نظامیان آمریکایی حاضر در افغانستان منتشر می‌شوند متکی باشند و با دیدی توصیفی که بیشتر مثبت نگر است به قضیه پردازند. کتاب سیاست خارجی آمریکا در افغانستان (تمنا، ۱۳۸۶) در زمره این آثار قرار می‌گیرد.

گروه دیگری از نویسندگان با دیدی تحلیلی و نگرشی منفی به این حضور نگرسته‌اند و خواسته‌اند به این ترتیب مخالفت خود را با حضور نظامیان و استراتژی آمریکا در افغانستان ابراز دارند. کتاب‌های افغانستان و مداخلات خارجی (حق جو، ۱۳۸۲)، حوادث تاریخی افغانستان (کامگار، ۱۳۷۹)، سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر (گوهری مقدم، ۱۳۸۶)، ریشه‌های تروریسم (رایش، ۱۳۸۱) از جمله آثاری است که در این دسته قرار می‌گیرند و در میان مقالات متعدد منتشر

شده در این زمینه می‌توان به این آثار اشاره کرد؛ اهداف راهبردی آمریکا در لشکرکشی به افغانستان (امینی، ۱۳۸۲)، راهبرد جدید آمریکا در افغانستان (سبحانی، ۱۳۸۸)، تحول سیاست دفاعی و امنیت ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۶)، یک ارزیابی موقت از ۱۱ سپتامبر: ابعاد ثابت و متغیر نظام بین‌الملل (جرویس، ۱۳۸۳)، سیاست‌های خاورمیانه آمریکا در برابر چالش‌های ضد هژمونیک (سیف‌زاده، ۱۳۸۳)، نگاهی به طرح خاورمیانه بزرگ (زمانی، ۱۳۸۴).

ما در این تحقیق سعی خواهیم کرد با مراجعه به اسناد منتشره از سوی وزارت امور خارجه و دیگر مؤسسات پژوهشی تأثیرگذار در این زمینه نتیجه‌ای دقیق از استراتژی آمریکا در افغانستان به دست آوریم.

## بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده است، توصیفی - تحلیلی است. در این نوشتار ابتدا، کوشش کرده‌ایم نظریه‌ای که قابلیت توجیه بیشتر استراتژی و اقدامات نظامی ایالات متحده را بر افکار و اندیشه‌های نومحافظه‌کاری<sup>۱</sup> مبتنی است، به عنوان مبنای تئوریک این مباحث ارائه کنیم. حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و دموکراتیزه کردن منطقه و همچنین ایجاد تحولات اساسی در دولت‌های این حوزه در چارچوب رویکرد نئولیبرالیسم قابل تبیین است، اما دستیابی به قدرت به مفهوم نئورئالیستی آن با استفاده از ابزارهای نئولیبرالیسم (بسط دموکراسی) یا برعکس، استفاده از قدرت نظامی برای بسط لیبرالیسم، ما را به رهیافتی بینا پارادایمی بین این دو نظریه علمی سوق می‌دهد؛ یعنی پارادایمی به نام «نئولیبرالیسم واقع‌گرایانه». در فصول بعدی، زمینه‌های پیدایش طالبان و حوادث ۱۱ سپتامبر را بررسی می‌کنیم و در پایان ضمن بیان استراتژی‌های ایالات متحده در افغانستان با توجه به بحث تئوریک، اهداف مورد نظر آمریکا را بررسی می‌کنیم.

---

<sup>۱</sup> NEOCONSERVATISM



## ساختار پژوهش

- ۱- نومحافظه‌کاران و حادثه ۱۱ سپتامبر.
- ۲- طرح خاورمیانه بزرگ و جنبش طالبان.
- ۳- راهبرد جدید ایالات متحده آمریکا در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر.
- ۴- سازوکارهای راهبرد ایالات متحده و نتیجه‌گیری

فصل اول:

نومحافظه کاران و حادثه ۱۱ سپتامبر

## مقدمه

اقدامات اخیر ایالات متحده در سطح جهانی و به تبع آن حضور در افغانستان، ماحصل تفکری است که اهداف کلان و منافع ملی آمریکا را در سطح جهانی تعریف می‌کند. باور این نوشته این است که حضور آمریکا در افغانستان ناشی از استراتژی سیاست خارجی مبتنی بر دیدگاه نئومحافظه‌کاران حاکم بر آن کشور است. لذا برای مطالعه و تحلیل استراتژی و سیاست خارجی آمریکا در افغانستان، لازم است در بدو امر ماهیت سیاست خارجی ایالات متحده و جایگاهی که افکار نئومحافظه‌کاری در آن دارد، بررسی شود تا بتوان به درکی بهتر از اهداف آمریکا و تمایل به حضور در افغانستان و منطقه دست یافت.

چرخش اساسی در سیاست خارجی آمریکا را به خوبی می‌توان در قالب تئوری نئورئالیسم توضیح داد. رویکرد نئورئالیسم بر مفروضات دولت محوری، بقا و خودیاری بنیان نهاده شده که با رویکرد محوری *out side in*، سطح تحلیل کلان را مبنا قرار داده است. (قوام، ۱۳۸۴: ۸۹) در این میان، در سطح تحلیل کلان به خوبی می‌توان اهمیت مؤلفه گسترش نفوذ آمریکا در سیاست خارجی نوین این کشور را که متأثر از تفکر نئومحافظه‌کاری است در سطح جهان به خوبی مشاهده کرد. از آنجا که مطالعه سیاست خارجی به درک و شناخت دقیق فرصتها، ابزارها، چالش‌ها و استراتژی‌هایی برای تأمین منافع و امنیت ملی دولت‌ها اشاره می‌کند، در این میان شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها

تابع متغیرهای مستقل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این فصل کوشش می‌شود این مؤلفه‌ها برای فهم و تبیین ماهیت سیاست خارجی ایالات متحده بررسی و ضمن بیان طرح خاور میانه بزرگ، همچنین بررسی خواهد شد که استراتژی آمریکا چگونه در جهت اهداف فراملی در منطقه خاورمیانه و افغانستان، به دنبال دولت - ملت‌سازی، آزادسازی اقتصادی و گسترش حقوق بشر و زنان در قالب نظریه نئورئالیسم عمل می‌کند.

حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله تروریستی به برج‌های دو قلوی مرکز تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون در نیویورک و واشنگتن نمادی از حمله به دو سنبل جهان غرب یعنی سرمایه‌داری (کپیتالیزم) و نظامیگری (میلیتاریسم) محسوب می‌شود. این حادثه، نقطه عطفی است که جهان قبل از خود را از دنیای بعد از خود متمایز می‌کند. در حقیقت این واقعه تاریخی باعث شد زمینه پویایی مجدد سیاست خارجی قدرت محور ایالات متحده بازنمود یابد و تعبیر و مفاهیم جدیدی را در استنباطات بین‌المللی سیاستمداران این کشور از جهان وارد کند. به نظر می‌رسد سیاست جدید امنیت ملی ایالات متحده در راستای تثبیت موقعیت هژمونیک این کشور بعد از ۱۱ سپتامبر باشد و این یعنی تبدیل «تهدید» به حداکثر «فرصت».

## ۱- رویکرد نومحافظه کاران

### ۱-۱- مبانی فکری سیاستگذاری خارجی در ایالات متحده

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر موجب شد دشمنی جدید با خطر آفرینی متفاوت، مورد توجه صاحبان ثروت و قدرت جهان بویژه ایالات متحده قرار گیرد. این دشمن قدیمی و آشنا با شیوه‌ای نوین به صورت غیر منتظره معادلات سیاسی جهان را تغییر داد. این حادثه را باید نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل دانست. ده سال پیش از این واقعه، جنگ سرد به پایان رسیده بود، اما آن طور که ویلیام زارتمن می‌گوید، هنوز نظمی که بتواند بر جهان غالب شود، وجود نداشت. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حقیقت نقطه آغازی برای نظم جدید است. نظمی که نشانه‌های نیرومندی از خود بروز می‌دهد. بی‌جهت نیست که به گمان بسیاری از تئوری پردازان روابط بین‌الملل بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جهان در حال تغییری سترگ بوده است. در چنین تغییری تنها بازیگران عوض نمی‌شوند، بلکه در همان